



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



علل تورم در اقتصاد ایران: یک مطالعه مروری

محسن محمدی خیاره (نویسنده مسئول)

استادیار اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبد کاووس

حمیدرضا یعقوبی

دانشجوی کارشناسی اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبد کاووس

چکیده

امروزه توجه به تورم و جلوگیری از افزایش بی رویه آن نه تنها به دلیل ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت اقتصادی دارای اهمیت است بلکه برخی معتقدند آسیب پذیری قشر فقیر جامعه از این پدیده نسبت به سایر عوامل دیگر نسبتاً بیشتر می باشد. تاکنون تحقیقات بسیار زیادی در مورد شناسایی عوامل موثر بر تورم انجام شده و بسته به مبانی نظری و تئوریک موجود در ارتباط با چگونگی شکل گیری تورم که نسبتاً گسترده نیز می باشد، کارهای تجربی بسیار متنوعی انجام شده است. بنابراین در هر یک از آنها فهرستی از متغیرهای اقتصادی به عنوان عوامل موثر بر تورم معرفی شده اند و براساس آنها راهکارهای اجرایی متفاوتی جهت کنترل تورم ارائه شده است. در این تحقیق سعی بر این است ابتدا وضعیت تورمی کشور در سالهای اخیر بررسی شود و سپس مروری بر مهمترین تحقیقات صورت گرفته روی علل تورم در ایران صورت گیرد و در نهایت نتایج تحقیقات در خصوص علل تورم در ایران ارائه می شود.

کلیدواژه: تورم، سیاست پولی، نرخ رشد نقدینگی، ایران



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
بازدهم اسفندماه ۱۳۹۵

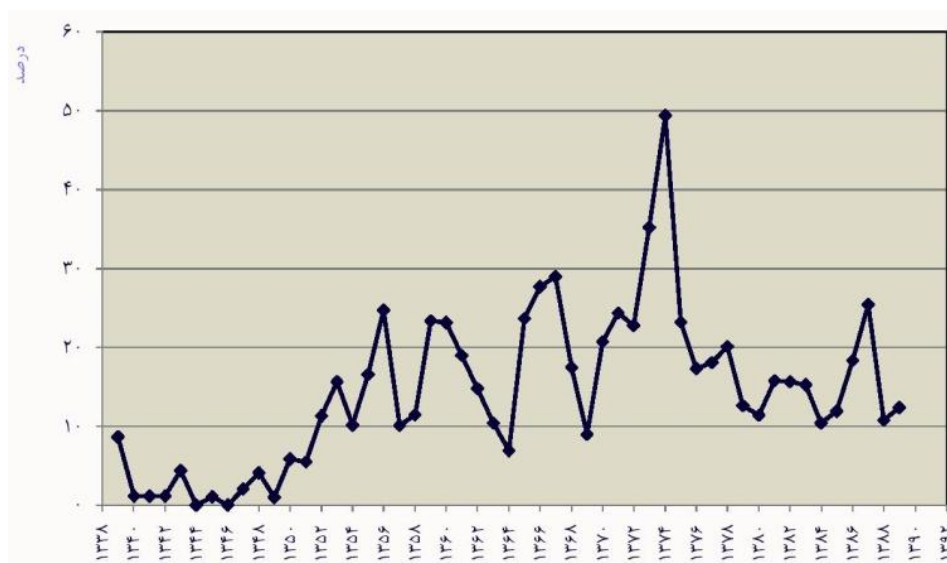


۱- مقدمه

تورم به عنوان یکی از اساسی ترین معضلات اقتصادی، در طول حیات اقتصادی هر کشور شناخته می‌شود. در واقع این پدیده اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان محسوب می‌شود. رشد شتابان و مستمر قیمت‌ها در اقتصاد ایران از سال های اول دهه پنجاه متعاقب با افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی کشور آغاز شده و به صورت یکی از حادترین مشکلات اقتصادی - اجتماعی ایران درآمده است. ساختار اقتصادی نامتجانس، ناسالم، وابسته و تک محصولی و عدم تعادل‌های حاکم بر اقتصاد کشور همراه با سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، محدودیتهای درآمدهای ارزی، جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی، افزایش هزینه‌های تولید، تورم وارداتی و در نهایت انتظارات تورمی باعث شد که در سالهای بعد از انقلاب، تورم تداوم یافته و در برخی از سال ها بر شدت آن نیز افزوده شود تا جایی که به عنوان یکی از اساسی ترین مشکلات اقتصادی کشور، توجه همگان را به خود معطوف سازد.

نمودار های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب تورم سالیانه در اقتصاد ایران و مقایسه تورم ایران با سه کشور در حال توسعه و سه کشور توسعه یافته را نشان می دهد. به وضوح می توان دریافت که در چند دهه گذشته همواره نرخ تورم در اقتصاد ایران بالا بوده است. در این زمینه تحقیقات زیادی به علل این پدیده و وخامت آن در اقتصاد ایران پرداخته‌اند

نمودار ۱- تورم سالیانه

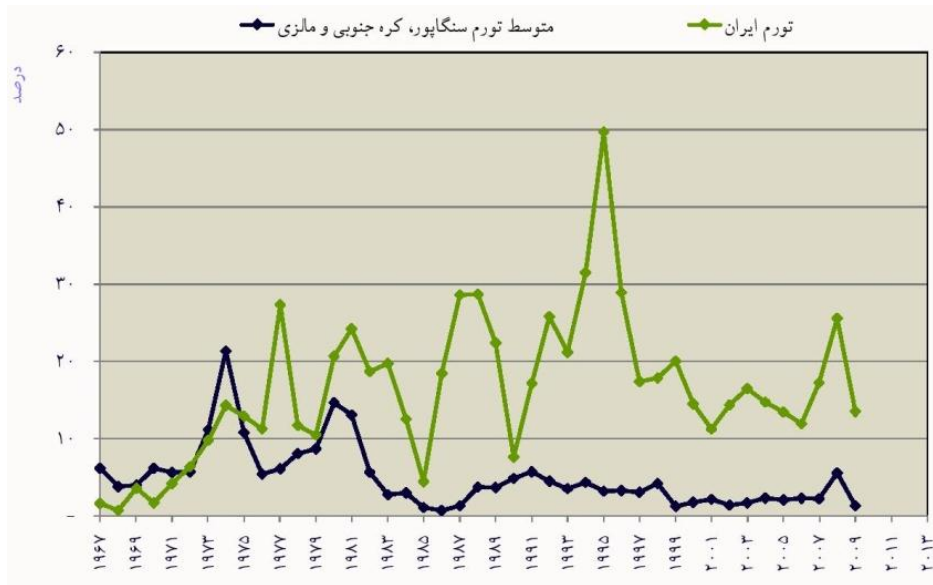




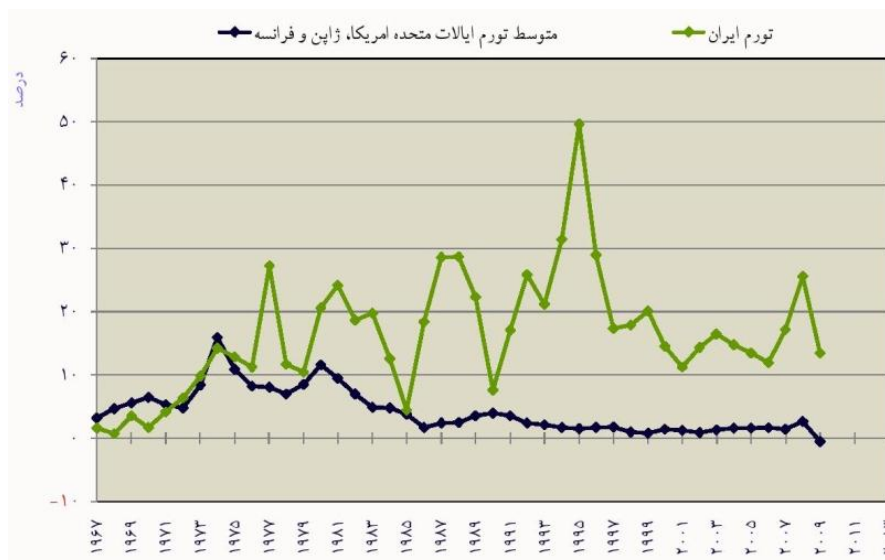
دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
بازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



نمودار ۲- مقایسه تورم ایران با متوسط سه کشور در حال توسعه



نمودار ۳- مقایسه تورم ایران با متوسط سه کشور پیشرفته صنعتی



با توجه به اینکه تورم مزمن پدیده‌های نسبتاً بلندمدت در اقتصاد ایران بوده و بالا گرفتن نرخ تورم در سالهای اخیر یکی از اساسی ترین مشکلات کشور است، لذا همواره مطالعاتی در زمینه عوامل مؤثر در ایجاد این پدیده مورد نیاز می باشد. به همین منظور در تحقیق حاضر بدنبال پاسخ به دلایل اصلی تورم در ایران هستیم.

۱-۱ دیدگاه های مکاتب مختلف در خصوص تورم



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



تورم را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد؛ یک گروه از تعریف‌ها، بر ماهیت پولی تورم تأکید دارند. در این چهارچوب تورم اغلب به عنوان نتیجه فزونی گرفتن عرضه پول نسبت به نیازهای مردم و عامل‌های اقتصادی به پول، یا به عنوان مازاد توان خرید یا مازاد وسایل پرداخت تعریف می‌شود؛ گروه دوم از تعریف‌ها، تورم مبتنی بر مازاد تقاضا نسبت به عرضه است و تورم را به عنوان حاصل فزونی تقاضا نسبت به عرضه معرفی می‌کند. از جمله تعریف‌هایی که در آنها تورم به عنوان ناهمخوانی بین عرضه و تقاضا تلقی شده است، می‌توان به نظریه لرنر اشاره نمود. در گروه سوم از تعریف‌های تورم، تورم را مترادف با افزایش زیاد و پیوسته قیمت‌ها دانسته‌اند، ریمون بار بیان می‌کند که تورم زمانی وجود دارد که سطح عمومی قیمت‌ها رو به افزایش پیوسته و کم و بیش پرشتاب است یا بنا بر تعریف دیگر در این چهارچوب تورم همان افزایش پیوسته در سطح عمومی قیمت‌ها است و یا به عبارتی بالارفتن خود افزایش قیمت‌ها است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۵).

نکته قابل توجه در خصوص تورم آنست که اقتصاددانان مکاتب مختلف در خصوص علل ایجاد تورم با یکدیگر توافق نظر ندارند. اقتصاددانان مکتب کلاسیک با اعتقاد به این مطلب که بخش حقیقی از بخش پولی جداست، معتقدند سطح تولید و اشتغال باتوجه به شرایط رقابت کامل و قانون سی در سطح اشتغال کامل تعیین می‌شود و هر تغییری در بخش پولی اقتصاد روی متغیرهای حقیقی اقتصاد هیچ تاثیری ندارد.

اقتصاددانان مکتب کینزی فزونی تقاضای کل، نسبت به عرضه کل را علت اساسی تورم عنوان کرده و معتقدند علت اصلی افزایش تقاضا را باید در دو بخش پول و کالا جستجو نمود. در بازار کالا افزایش مخارج مصرفی مستقل، افزایش سرمایه‌گذاری مستقل و عواملی از این دست منجر به بروز اضافه تقاضا و ایجاد تورم شود.

پولیون هم تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. این ادعا که تورم یک پدیده پولی است بدان مفهوم است که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد منجر به ایجاد تورم بالا می‌شود. البته پولیون در تفسیر جدید خود از نظریه مقداری عنوان می‌کنند که پول در کوتاه مدت خنثی نیست و بر متغیرها حقیقی اثر دارد ولی در بلندمدت نظریه کلاسیک‌ها مبنی بر خنثای پول را می‌پذیرند. مکتب ساختارگرایان عنوان می‌کنند که علت اصلی تورم سیاست‌های ارادی پولی و مالی دولت نیست بلکه عدم تعادل‌های اساسی در نظام اقتصادی است که رشد عرضه پول را نیز به دنبال دارد.

با توجه به توضیح مختصر در خصوص ریشه‌های تورم در مکاتب مختلف اقتصادی در این تحقیق تمرکز اصلی بر دلایل ایجاد تورم در اقتصاد ایران می‌باشد و در حقیقت در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی که دلیل اصلی تورم در اقتصاد ایران کدام است، می‌باشیم.

۲- پیشینه تحقیق

داودی (۱۳۷۶)، در بررسی خویش شناسایی فرایند تورمی در ایران را، از سه بعد زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار داده است، نتایج حاصل حاکی از آن است که نرخ رشد بالای نقدینگی و افزایش نوسانهای نرخ ارز در بازار ارز مهمترین عوامل ایجاد کننده تورم در اقتصاد ایران هستند، و یک درصد تغییر در حجم نقدینگی باعث ایجاد تورم به میزان ۰/۹۵ شده و این حاکی از پولی بودن تورم در اقتصاد ایران است.

در مطالعه دیگری که توسط بافکر (۱۳۷۷)، انجام شده است. وی با استفاده از مدلی به دنبال یافتن علل اصلی تورم در ایران است، او نشان می‌دهد که ۱۰ درصد رشد نقدینگی در بلندمدت به رشد ۲/۷ درصدی در نرخ تورم خرده فروشی منجر خواهد شد (و باعث رشد در نرخ



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران بازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



تورم عمده فروشی به میزان ۳/۲ درصد می‌شود). از سویی ۱۰ درصد افزایش در نرخ رشد تولید به کاهش ۱/۷ درصدی در نرخ تورم خرده فروشی منجر می‌شود (به میزان ۲/۴ درصد نرخ عمده فروشی را افزایش می‌دهد). همچنین با برآورد یک مدل تصحیح خطا وی نشان می‌دهد که با انجام سیاست‌های مناسب می‌توان حدود ۶۶ درصد از شکاف نرخ تورم واقعی و نرخ تورم تعادلی را برنمود.

کریمی و توکلی (۱۳۷۸)، برای بررسی تاثیر قیمت واردات بر تورم، رابطه بین مخارج دولت، شاخص قیمت واردات، پول و شاخص قیمت‌ها را بطور سیستمی مورد بررسی قرار داده و به روش رگرسیون‌های خود توضیح برداری VAR آزمون انجام داده‌اند. نتایج نشانگر آن است که تورم قیمت کالاهای وارداتی بیشترین تاثیر را بر تورم داخلی دارد. البته وقفه‌های تورم و پول هم تورم را تا حدی توضیح می‌دهند اما مخارج دولت چندان تورم را توجیه نمی‌کند.

حسینی نسب و رضا قلیزاده (۱۳۸۹)، به بررسی ریشه‌های مالی تورم در ایران با استفاده از روش خود رگرسیون برداری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر این است که عوامل مالی نظیر شاخص کالاهای وارداتی، درآمدهای نفتی و کسری بودجه، موجب افزایش تورم طی دوره مورد بررسی در ایران می‌شوند. در حالی که رشد اقتصادی تا حدودی باعث مهار تورم می‌شود.

کازرونی و اصغری (۱۳۸۱)، با هدف آزمون سازگار مدل تورم پولیون به همراه انتظارات عقلایی با ویژگی‌های اقتصادی ایران و یافتن رابطه متغیرهای رشد عرضه پول و تورم در چارچوب پاسبه هاس نظری برای اقتصاد ایران انجام شده است. در این بررسی نتیجه گرفته شده است که تورم و رشد پول همگرا بوده و در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد پول منجر به رشد تورم به میزان ۰/۹ درصد می‌شود. از سویی در این بررسی فرضیه رابطه یک به یک ما بین متغیرهای مورد نظر قابل رد کرد نیست؛ یعنی تورم در ایران یک پدیده پولی است.

کمیجانی و نقدی (۱۳۸۸)، به بررسی ارتباط متقابل تورم و تولید با استفاده از روش خود رگرسیون برداری برای ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که ریشه تورم در ایران صرفاً پولی نیست و مزمین بودن تورم در ایران به متغیرهای واقعی (یعنی تولید و در این مقاله به تولید بخشی) نیز ارتباط دارد. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه تولید و تورم یک رابطه بلندمدت است یعنی افزایش تولید در بلندمدت موجب کاهش تورم می‌شود. در حالی که این رابطه یعنی تولید بخشی و تورم در بخش خدمات نسبت به بخشهای صنعت و کشاورزی رابطه کوتاه‌مدت‌تری است. لذا در پایان پیشنهاد شده است برای کنترل تورم در ایران نمی‌توان صرفاً بر سیاستهای پولی تکیه کرد و در بلندمدت باید بخش واقعی اقتصاد را نیز مد نظر قرار داد.

عمادزاده و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله خود علاوه بر بررسی عوامل موثر بر تورم تلاش نموده‌اند، سهم هر یک از این عوامل در شکل‌گیری این پدیده اقتصادی بررسی شود. برای دستیابی به این منظور با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان، تأثیر رشد پول، شکاف نسبی تولید، رشد نرخ ارز بازار موازی، انتظارات تورمی و تورم وارداتی به عنوان عوامل موثر بر تورم مورد بررسی قرار گرفته و معادلات توضیح دهنده هر یک از این متغیرها نیز برآورد گردیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، تورم در ایران صرفاً پدیده پولی نیست و تورم وارداتی مشکلات ساختاری و تورم انتظاری نیز بر شکل‌گیری آن تأثیر مثبت داشته‌اند.

علوی راد و آتاولی (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای اثر کسری بودجه بر تورم در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از یک مدل خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) به آزمون رابطه بین دو متغیر کسری بودجه و تورم در ایران در دراز مدت پرداخته‌اند.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران بازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



مطالعه آنها بر مبنای داده های سالانه سری زمانی از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۹ می باشد. نتایج نشان می دهد که کسری بودجه یک اثر معنی دار بر نرخ تورم در دوره مورد بررسی دارد.

تقی پور (۱۳۸۰)، در مطالعه ای تحت عنوان " بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم در ایران " به بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم پرداخته است. وی برای این منظور یک نظام معادلات همزمان را طی دوره ۴۰-۱۳۷۸ برآورد نموده است. نتایج حاکی از آن است که با وجود ارتباط نظری مبهم بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم، به خاطر اینکه بخش زیادی از کسری بودجه دولت در ایران از طریق استقراض بانکی تامین مالی شده، فرضیه ارتباط مثبت بین کسری بودجه و رشد پول و تورم رد نشده است.

جعفری صمیمی (۱۳۷۱)، در بررسی ارتباط دوطرفه بین کسری بودجه دولت و تورم در اقتصاد ایران طی دوره ۶۹-۱۳۵۲ به این نتیجه رسیده است که یک ارتباط دوطرفه بین کسری بودجه دولت و تورم وجود دارد. افزایش کسری بودجه از طریق افزایش پایه پولی و عرضه پول، نرخ تورم را بالا می برد و افزایش نرخ تورم به نوبه خود منجر به افزایش کسری بودجه اسمی دولت می گردد.

عزیزی (۱۳۸۵)، در مقاله ای رابطه بین کسری بودجه و تورم را طی سالهای ۸۳-۱۳۵۴ مورد بررسی قرار داده است. وی در این مطالعه به بررسی نظری و تجربی و آزمون رابطه میان کسری بودجه و تورم در اقتصاد ایران پرداخته است. نتایج پس از برآورد رابطه میان تورم و کسری بودجه نشان میدهد که این رابطه به لحاظ آماری معنی دار نیست.

تشکینی (۱۳۸۴)، به بررسی رابطه تورم و نااطمینانی تورم برای اقتصاد ایران طی دوره فروردین ۱۳۶۹ تا اسفند ۱۳۸۳ پرداخت. محقق تحلیل خود را براساس مدل های واریانس ناهمسانی شرطی خود رگرسیو (ARCH) و خود رگرسیو تعمیم یافته (GARCH) انجام داده است در واقع؛ واریانس شرطی به عنوان شاخص برای نااطمینانی تورم تعریف شد و سپس با استفاده از آزمون علیت گرنجر، رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم بررسی گردید. نتایج مطالعه حاکی از آن است که افزایش تورم منجر به نااطمینانی تورم خواهد شد ولی رابطه معکوس صادق نیست.

ابراهیمی و سوری (۱۳۸۵)، با استفاده از داده های ماهانه تورم طی دوره ۸۳-۱۳۴۷ رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم را مورد تحلیل قرار دادند. آنها ابتدا به برآورد نااطمینانی تورم از طریق مدل GARCH پرداختند و سپس برای پاسخ به این سوال که آیا نااطمینانی تورم می تواند موجب تورم بالاتر شود؟ با استفاده از آزمون علیت گرنجر بین تورم با وقفه های مختلف، رابطه علیت از نااطمینانی تورم به تورم را نیز مورد بررسی قرار دادند که آزمون علیت نشان می دهد رابطه دو طرفه ای بین تورم و نااطمینانی تورم وجود دارد.

مهرگان و رضایی (۱۳۸۴)، در مطالعه خود به بررسی رابطه علی بین نرخ تورم و حداقل دستمزد در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۸۴ پرداخته اند. نتایج تحقیق آنها دلالت بر آن دارد که طی دوره مورد بررسی، تغییرات نرخ تورم سبب تغییرات در حداقل دستمزد شده است به عبارت دیگر، رابطه علی از تورم به حداقل دستمزد می باشد و وجود رابطه علی از حداقل دستمزد به تورم تأیید نمی شود

عماد زاده (۱۳۸۴)، ساختار گرایان، ریشه های بنیادین تورم را در ساختارهای ناموزون اقتصادی جستجو می کنند. به عقیده این عده، کشش ناپذیری عرضه در بخشهای کلیدی اقتصاد به عنوان علت عمده تورم تلقی می شود. ساختارگرایان به شیوه های مرسوم مقابله



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



با تورم یعنی سیاست های پولی و مالی انقباضی اعتقاد ندارند و به تغییرات ساختاری عمده مانند تغییر در سیستم تولید، ساختار اقتصادی و توزیع درآمد برای مقابله با تورم عقیده دارند.

قوام مسعودی و تشکینی (۱۳۸۴)، مهمترین عوامل مؤثر بر تورم در اقتصاد ایران با توجه به بررسی روند متغیرهای کلیدی اقتصاد ایران و تطبیق نظریات مختلف با واقعیات اقتصاد ایران، و ارائه مدل می توان تولید، حجم نقدینگی، شاخص قیمت کالاهای وارداتی و نرخ ارز را نام برد.

میری طامه (۱۹۹۶) به بررسی رابطه کاهش ارزش ریال و تورم پرداخت و به این نتیجه رسید کاهش ارزش ریال و سیاستهای آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز دارای اثرات تورمی بوده است.

طیبیان و سوری (۱۹۹۷) با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری آثار تغییرات نرخ ارز را بر تورم مورد بررسی قرار دادند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که افزایش قیمت و کاهش ارزش ریال ناشی از افزایش عرضه پول است.

نصر اصفهانی و یآوری (۲۰۰۳) ثابت کردند تورم در ایران صرفاً پدیده پولی نیست و نرخ ارز و رشد نقدینگی و تکانه های تورم در کوتاه مدت بر نوسانات تورم تاثیر مثبت دارند.

خوشبخت و اخباری (۲۰۰۵) نشان دادند که انتقال تغییرات نرخ ارز بر شاخص قیمت واردات بیشتر از شاخص قیمت مصرف کننده است.

عمادزاده و همکاران (۲۰۰۵) سهم تورم وارداتی را، ۶/۲۲٪ تورم انتظاری را، ۳/۷٪ رشد نرخ ارز را، ۲/۶٪ و شکاف تولید را ۶/۵٪ در شکل گیری تورم ایران برآورد کردند.

طیب نیا و زندیه در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند هرچه اقتصاد ایران بازتر باشد اثرپذیری تورم از ادوار تجاری داخلی کمتر شده و تورم نوسانات کمتری خواهد داشت. در این مطالعه، همگام با مطالعات انجام شده در خصوص رابطه نرخ ارز و تورم، تاثیر شوکهای ارزی بر تورم مورد بررسی قرار می گیرد.

۳- شواهد و واقعیات تجربی تورم در ایران

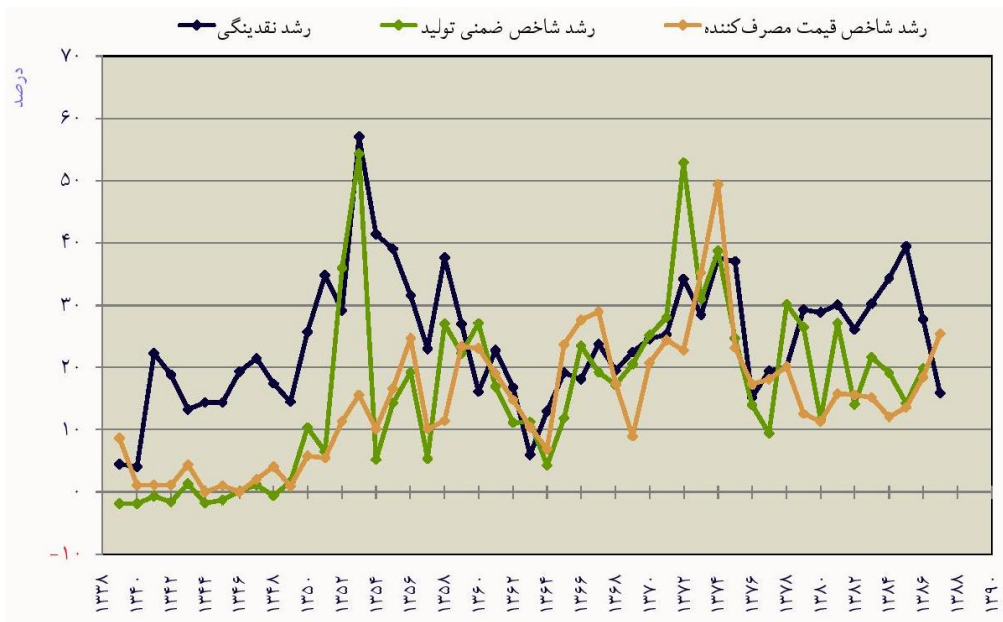
در این بخش از تحقیق، به بررسی شواهد تجربی از رابطه بین متغیرهای اقتصاد کلان و ارتباط آنها با تورم در اقتصاد ایران پرداخته می شود. در نمودار ۴ و ۵، پویایی های بین نرخ رشد شاخص قیمت مصرف کننده (تورم)، شاخص ضمنی تولید و نقدینگی و نرخ رشد حجم پول نشان داده است که به وضوح ارتباط یک به یک بین نرخ رشد نقدینگی و تورم مشاهده می شود. بدین ترتیب می توان دریافت که یکی از عوامل اصلی تورم در اقتصاد ایران افزایش نرخ رشد نقدینگی و حجم پول است.



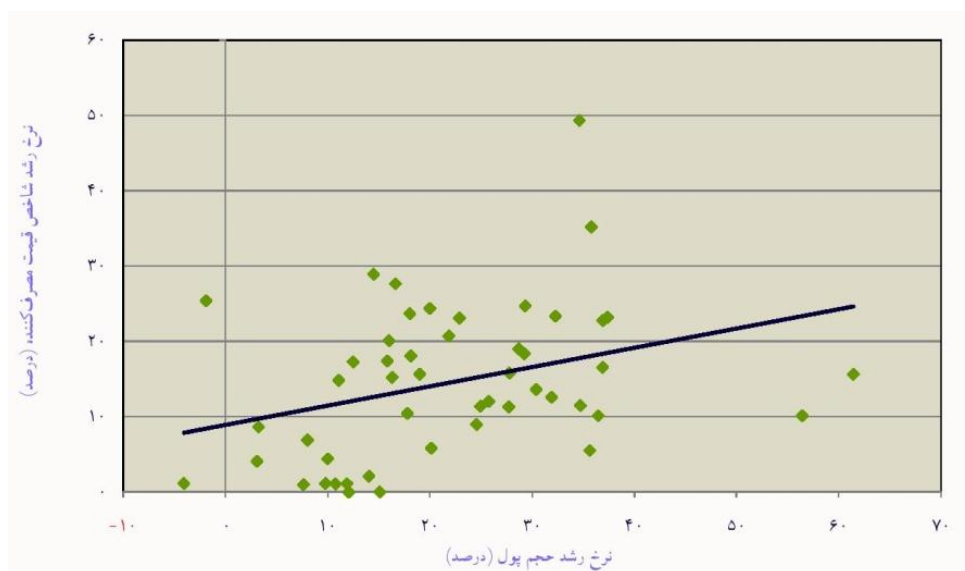
دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



نمودار ۴- نرخ رشد شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص ضمنی تولید و نقدینگی



نمودار ۵- نرخ رشد شاخص قیمت مصرف کننده و نرخ رشد حجم پول



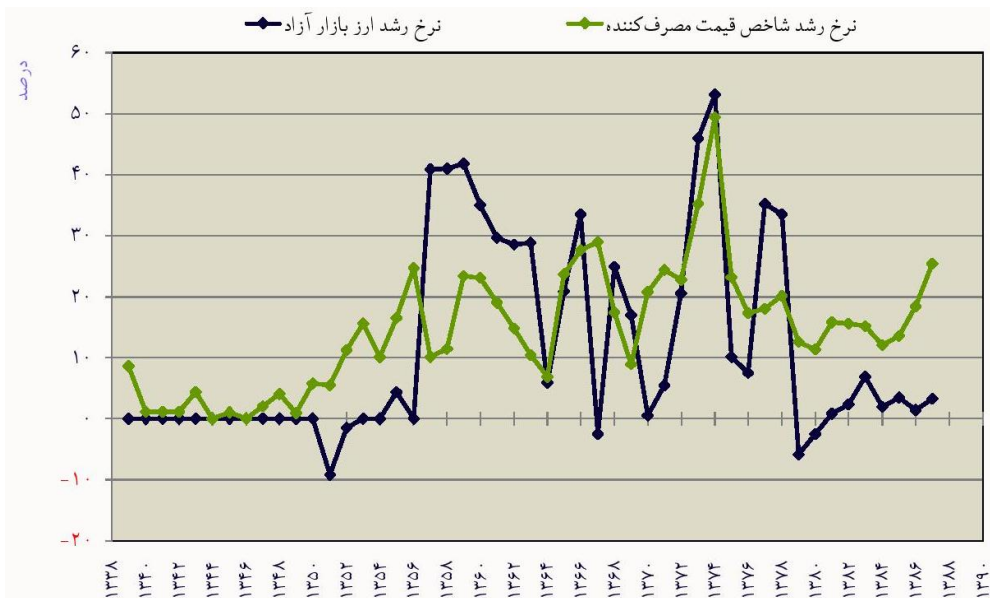
یکی دیگر از عوامل مهم در پویایی های تورم در اقتصاد ایران نرخ ارز است که در نمودار ۶، این ارتباط مثبت و معنی دار بین رشد تورم و رشد نرخ ارز مشاهده می شود.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵

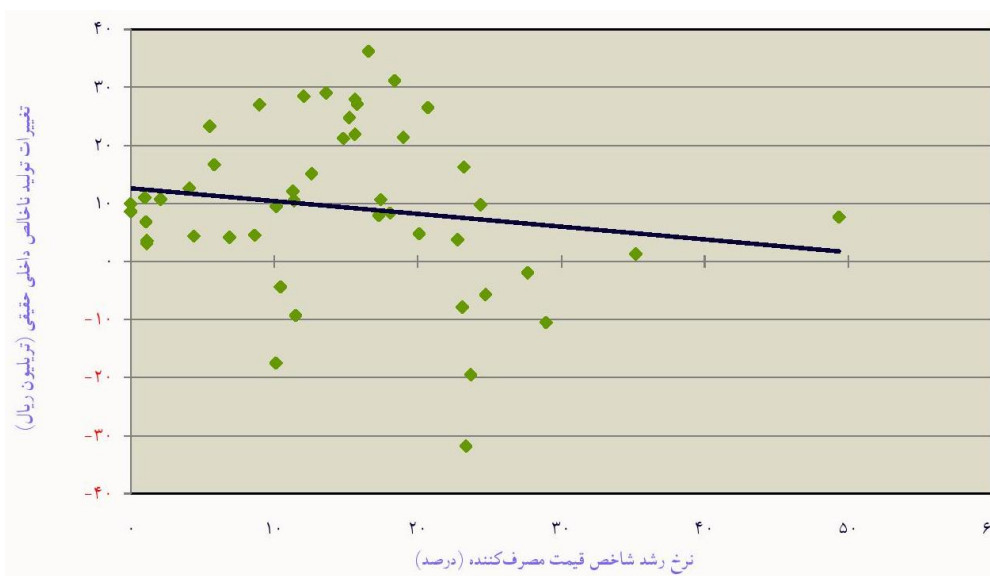


نمودار ۶- رشد شاخص قیمت مصرف کننده و رشد نرخ ارز بازار آزاد



در نمودار ۷ نیز رابطه منفی بین تورم و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به وضوح مشاهده می شود.

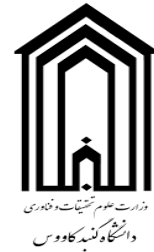
نمودار ۷- رشد شاخص قیمت مصرف کننده و تغییرات تولید ناخالص داخلی حقیقی



۴- نتیجه گیری



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



نتایج تحقیقات انجام شده حاکی از گسترش عوامل مؤثر بر تورم در اقتصاد کشور است که مهمترین این عوامل عبارتند از: تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی و به تبع آن، افزایش حجم نقدینگی، افزایش قیمت حاملهای انرژی و حذف پارانه های صنعتی و صنفی پس از اجرای سیاستهای تعدیل، افزایش ریسک مربوط به فعالیتهای مولد اقتصادی، ضعف در مدیریت مخصوصاً مدیریت ارز و کاهش ارزش پول و بالاخره افزایش قیمتهای جهانی شد. پایه های پولی در اقتصاد ایران در بلند مدت مانند سایر کشورهای دیگر است که به تورم خاتمه پیدا می کند. اقتصاددانان زیادی تورم را از سه بعد کوتاه مدت و بلندمدت و میان مدت مورد بررسی قرار می دهند که نتیجه نشان داده است که نرخ رشد بالای نقدینگی و افزایش نوسانات نرخ ارز در بازار ارز از مهمترین عوامل ایجاد کننده تورم در اقتصاد می باشد. رشد پول و نقدینگی از اصلی ترین دلایل تورم است که دولت باید با استفاده از سیاست های مناسب پولی و مالی آن را کاهش دهد.

منابع

۱. ابراهیمی محسن، علی سوری (۱۳۸۵) رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم در ایران؛ مجله دانش و توسعه، شماره ۱۸، ۱۱۱-۱۲۶
۲. اسماعیل زاده (۱۳۸۵) اسماعیل زاده مقرئ؛ (۱۳۸۵) بررسی تاثیر پذیری تورم از سرمایه گذاری کل در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ۹(۳۳)، (صص ۹۷-۱۲۳)
۳. تشکینی، احمد (۱۳۸۴) آیا نااطمینانی تورم با سطح تورم تغییر می کند؟؛ مجله تحقیقات اقتصاد شماره ۷۳، ۱۹۳-۲۱۰
۴. تقی پور، انوشیروان (۱۳۸۰) بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم در ایران: به روش معادلات همزمان؛ مجله برنامه و بودجه، شماره ۶۶ و ۶۵، صص ۱۰۵-۱۳۲
۵. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱) بررسی رابطه تورم و کسری بودجه در ایران؛ مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت، شماره ۱۳
۶. حسینی نسب، مهديه رضا قلی زاده (۱۳۸۹) "بررسی ریشه های مالی تورم در ایران (با تاکید بر کسری بودجه)، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال دهم، شماره اول، بهار، صفحات ۴۳-۷۰
۷. داودی پرویز، سیاست های تثبیت اقتصادی و برآورد مدل پویایی تورم در ایران، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۷۶
۸. عزیز فیروزه (۱۳۸۵) کسری بودجه و تورم در ایران (۱۳۵۴-۸۳) جستارهای اقتصادی، شماره ۷، صص ۱۸۹-۲۱۴
۹. عماد زاده مصطفی (۱۳۸۴) بررسی عوامل پولی و غیرپولی مؤثر بر تورم در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز
۱۰. عماد زاده، مصطفی و سعید صمدی و بهار حافظی، (۱۳۸۴) بررسی عوامل (پولی و غیرپولی) مؤثر بر تورم در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز
۱۱. قوام مسعودی، زهره و تشکینی، احمد (۱۳۸۴) تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران (۸۱-۱۳۳۸) فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۶، پاییز، صص ۷۵-۱۰۵
۱۲. کارزونی علیرضا و برات اصغری، "آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران روش همگرایی" پژوهش های بازرگانی، فصلنامه شماره ۲۳-تابستان ۱۳۸۱



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
پازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



۱۳. کمیجانی اکبر و یزدان نقدی (۱۳۸۸) "بررسی ارتباط متقابل بین تولید و تورم در اقتصاد ایران (با تأکید بر تولید بخشی)،

پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره اول (پیاپی) ۳۲ بهار

۱۴. مهرگان نادر و رضایی روح الله، آیا حداقل دستمزد منجر به افزایش تورم می شود؟ مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۴، (صص ۲۵۳-

۲۶۶)

1. Miri Tameh , A. (1996) "Survey the Inflation Effects of Rial Devaluation in Iran" MS Dissertation in Alzahra University, Faculty of Social and Economics Science
2. Tabibian.mSoori, D. (1997) "The Roots of Inflation in Iran Economy Iranian Journal of Economic Research, No 1
3. Nasr Esfahani, R., Yavari, K. (2003) " Nominal and Real Effective Factor on Inflation in Iran- Vector Auto Regressive Model" Seasonal Journal of Iranian Economic Research, No16 (in Persian)
4. Khoshbakht, M., Ekhbari, M. (2005) "Survey The Intra Relationship Between Inflation and Exchange Rate in Iran", MS Dissertation in Tehran University, Faculty of Economics (in Persian)
5. Emad Zadeh, M., Samadi, S., Hafezi, B. (2005) " Survey Monetary and Nonmonetary Effective Factors on Iran Inflation", Journal of Social and Human Science, No 19(in Persian)
6. Tayeb Nia, A. , Zandieh, R.(2009) "Effects of Globalization on Inflation in Iran" Seasonal Journal of Iranian Economic Research, No13(in Persian)
7. Alavirad. Abbas & Athawale, Sanhita (2005) The impact of the budget deficit on inflation in the Islamic Republic of Iran; Organization of the Petroleum Exporting Countries, P: 37-49